

نوع مقاله: پژوهشی

## جایگاه مردم در نظریه «عدالت اجتماعی» حضرت امام خمینی

امان الله فصیحی / دکتری «جامعه‌شناسی» دانشگاه تهران

fasihi2219@gmail.com  [orcid.org/0000-0003-0015-9516](https://orcid.org/0000-0003-0015-9516)

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

### چکیده

تحقق عدالت در جامعه یکی از مباحث مهم فرهنگی - اجتماعی است. نظریه‌های مربوط به چگونگی تحقق عدالت از یک منظر به دو دسته تقسیم شده که از آنها به دیدگاه «نهادمحور استعلایی» و «واقعیت‌محور» یا «مردم‌نهاد» تعبیر شده است. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که دیدگاه امام خمینی با کدام یک از این دیدگاه‌ها سازگار است؟ مدعای این نوشتار آن است که از نظر امام خمینی تحقق عدالت به مثابه امری اجتماعی، یکی از اهداف انبیای الهی و خواسته‌ای انسانی است. از منظر ایشان همان‌گونه که محرک تاریخ و جوامع منازعه بر سر تحقق عدالت در جامعه است، ثبات و بقای جامعه نیز در گرو اقامه عدالت در جامعه است. در دیدگاه ایشان تحقق عدالت اجتماعی با مردم پیوند خورده است؛ یعنی برای اقامه عدالت اجتماعی باید قابلیت‌های مردم پرورش یابد و نتیجه تحقق آن هم باید به خیر و سود مردم ختم شود. برخلاف دیدگاه نهادمحور استعلایی که در تحقق عدالت بر نهادهای رسمی تمرکز دارد، امام خمینی به نهادها توجه استقلالی ندارد و آنها را برساخته‌هایی می‌داند که خصوصیات انسان را به نمایش می‌گذارد و همگی یا برای پرورش ظرفیت‌های انسان است و یا صورت‌های نهادی تلاش انسان‌ها برای اقامه عدالت در جامعه. برای اثبات این مدعا، سه بحث مفهومی «عدالت»، «سطوح و عرصه‌های عدالت» و «راهکارهای تحقق عدالت» بررسی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، امام خمینی، نهادمحوری، مردم‌محوری، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی.

## مقدمه

یکی از موضوعاتی که حضرت امام خمینی<sup>ع</sup> با جدیت تمام به آن پرداخته «عدالت» است. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی از زوایای گوناگون به این بحث توجه کرده است: منظر فلسفی، عرفانی، کلامی، تفسیری، فقهی و اخلاقی. در عین حال ایشان از بعد سیاست‌گذاری، راهبردی و اجتماعی- فرهنگی نیز متناسب با نیازهای زمانه‌اش، توجه و دقت لازم مبذول داشته است. از این‌رو، موضوع این مقاله «جایگاه مردم در نظریه عدالت اجتماعی امام خمینی» است.

اکنون سؤال اصلی عبارت است از اینکه نقطه عزیمت عدالت در نظریه «عدالت اجتماعی» امام خمینی<sup>ع</sup> چیست؟ نقطه عزیمت عدالت اجتماعی نهادهاست یا مردم؟ آیا مردم را باید عادل و عدالت‌خواه پرورش داد یا نهادهای اجتماعی عادلانه تأسیس کرد؟ یا این دو عرصه رابطه‌ای دوسویه با یکدیگر دارد؟

پاسخ سؤالات مزبور این است که نقطه عزیمت نظریه «عدالت اجتماعی» امام خمینی<sup>ع</sup> مردم است؛ یعنی اقامه عدالت از مردم خواسته شده است و در گام نخست مردم باید عادل تربیت شوند. موضوع و غایت تحقق عدالت نیز مردم هستند و نهادهای اجتماعی و از جمله حکومت هم برای آن است که راه رسیدن به عدالت را برای مردم هموار کند.

## پیشینه

خوشبختانه فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی فراوانی از ابعاد گوناگون و در سطوح مختلف درباره عدالت در دیدگاه امام راحل انجام گرفته است. برخی از این آثار عبارتند از:

- فهمیه غفاری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «گفتمان عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی<sup>ع</sup>»، کوشیده است چپستی عدالت اجتماعی از منظر امام خمینی<sup>ع</sup> اصول کلی حاکم بر اندیشه ایشان درباره مسئله «عدالت اجتماعی»، راهکارها و شاخصه‌های آن را استخراج و تبیین نماید.

- محمدحسین جمشیدی (۱۳۷۹) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی و تبیین نظریه عدالت (قسط) با تکیه بر دیدگاه‌های سه اندیشمند مسلمان ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر» به حکمت سیاسی عدالت پرداخته است. از نظر وی حکمت سیاسی عدالت با ابونصر فارابی تأسیس شد که به صورت خاص در حکمت صدرایی جایگاه حقیقی خود را باز یافت و توسط اندیشمندانی همچون امام خمینی و شهید صدر صورت‌بندی و شکوفا شد. در این نگاه، عدالت امری فطری - مدنی و در عین حال عینی - انسانی بوده که بر سه اصل اساسی «وجدان»، «عقل» و «آزادی» مبتنی است.

- محمد حسین زاده (۱۳۷۹) در مقاله «توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی در اندیشه‌های امام خمینی<sup>ع</sup>» نسبت عدالت و توسعه اقتصادی را بررسی کرده است.

- نیکو رضایی جوزانی (۱۳۸۸) در تحقیق «بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت و تأثیر آن بر ایده حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی و افلاطون» تأثیر عدالت بر حکومت‌داری مطلوب را بررسی کرده است. وی معتقد است: اندیشه امام خمینی و افلاطون عدالت‌محور است؛ ولی با وجود قربت‌ها، درک آنها از عناصر گفتمانی عدالت متفاوت بوده و در نتیجه حکومت مطلوب امام خمینی اساساً رنگ اخلاقی-دینی می‌یابد و مبتنی بر معرفت الهی است. اما حکومت مطلوب افلاطون مبتنی بر معرفت اکتسابی و عقلانی است.

- سمانه معلمی (۱۳۸۷) ذیل عنوان «عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی» به مباحثی همچون معنا و مفاهیم «عدالت» و به‌ویژه «عدالت اجتماعی» به‌مثابه صفت فرد و جامعه، جایگاه و اهمیت عدالت در جامعه، موضوع و زمینه‌های اجرای عدالت، شاخصه‌ها و ویژگی‌های حکومت عادلانه (مانند برابری مسئولان با افراد رعیت)، فقدان ظلم و انضام، فقدان تبعیض و نتیجه تحقق عدل در جامعه (مثل احیای معارف دینی، مکارم اخلاقی، شکوفایی استعدادهای آدمیان، آزادی، استقلال، امنیت، توسعه و رفاه عمومی) پرداخته است.

- حسن عقیدتی (۱۳۸۲) ذیل عنوان «عدالت اجتماعی از اندیشه امام خمینی» به بررسی دیدگاه امام راحل پرداخته است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق وی عبارت است از:

۱. عدالت‌خواهی امری فطری است.
  ۲. اسلام بر عدالت اجتماعی نسبت به همه تأکید نموده است.
  ۳. از نظر حضرت امام یکی از مهم‌ترین وظایف نظام جمهوری اسلامی اجرای عدالت در جامعه است و شخصاً اقدامات مهمی را در این زمینه انجام داده است. ساختن نهادهایی همچون «کمیته امداد امام خمینی»، «جهاد سازندگی»، «بنیاد شهید»، و «بنیاد مسکن» درحقیقت کاری برای زمینه‌سازی دفع شکاف‌های طبقاتی جامعه و ایجاد قسط اسلامی و عدالت اجتماعی بوده است.
- علی فیروزجایی و فرحناز نعیمی تحت عنوان «تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی» بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی-معنایی ون لیوون» به این سؤال پاسخ می‌دهند که در کلام امام راحل برای تقویت گفتمان عدالت‌محور از کدام راهکارهای زبان‌شناختی استفاده شده است؟ بر اساس یافته‌های این پژوهش، در کلام امام خمینی عناصر زبان‌شناختی، تعیین نوع اشاره و تعیین نوع ماهیت بالاترین فراوانی را دارد و از مؤلفه‌های «حذف» و «جذب» بیشترین فراوانی را مؤلفه «جذب» دارد و شاخص‌ترین مؤلفه مشخص‌سازی در انسان‌نمایی عنصر «پیونددهی» است.

- مقاله ابراهیم/یران نژاد با نام «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی»:

- مقاله مهسا میرحسینی تحت عنوان «عدالت اجتماعی، شاخص‌ها و لوازم تحقق آن از دیدگاه امام خمینی»:

- مقاله محمدحسین جمشیدی ذیل عنوان «مقدمه‌ای بر تبیین عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی»:

مقالات اخیر فعالیت‌های دیگری است که در این زمینه انجام شده است. چنان که از عناوین هر کدام پیداست، تمرکز هر کدام روی عدالت اجتماعی است.

- نورالله قیصری در مقاله «تأملی بر مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>ع</sup>» بر این باور است که حضرت امام راحل از رویکرد عرفانی- فلسفی به «عدالت» نگریسته و نگاه غایت‌انگارانه به ماهیت عدالت دارد. اما علی‌رغم تحقیقات مزبور، جای این سؤال خالی است که مردم چه نقشی در نظریه «عدالت اجتماعی» امام خمینی<sup>ع</sup> دارند و در تحقیقات انجام شده به صورت دقیق و مستقل به این موضوع توجه نشده است. از این رو، در تحقیق حاضر این موضوع در فرمایش‌های امام راحل بررسی می‌شود.

### روش پژوهش

در این تحقیق از روش «توصیفی- تحلیلی» به‌مثابه یکی از انواع روش‌های کیفی استفاده شده است. البته برای داده‌یابی از فن روش «تحلیل محتوای کیفی» و به تعبیر دیگر، از فن «تحلیل مضمون» استفاده شده است. مطابق این فن، نخست داده‌های این تحقیق از طریق مراجعه به آثار حضرت امام راحل استخراج و سپس داده‌های گردآوری شده در محورهای مشخص طبقه‌بندی و تنظیم شده است. در نهایت، نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

### ۱. نظریه‌ها

در ارتباط با سؤال این تحقیق، نظریات گوناگونی قابل طرح است که به صورت‌های متفاوتی دسته‌بندی شده است. ولی *آمارتیا سین* در فصل مقدماتی کتاب *اندیشه عدالت* نظریات مرتبط با عدالت در اندیشه روشنفکران غرب را به دو دسته کلی تقسیم نموده که از آنها به سنت «نهادباوری استعلایی» (نهادمحور) و سنت «مقایسه‌ای مرتبط با واقعیت‌های اجتماعی» (واقعیت‌محور) تعبیر شده است.

سنت نخست برگرفته از مفهوم «قرارداد اجتماعی» به پیشگامی *هابز* (ق ۱۷) و سپس تداوم این رویکرد با متفکرانی مانند *لاک*، *روسو*، *کانت* و در نهایت، کتاب *نظریه‌ای در باب عدالت* از *جان راولز* است. طبق بیان *آمارتیا سین* نقطه محوری سنت نخست این است که برای رسیدن به عدالت، باید «نهادهای عادل» ایجاد شود.

سنت دوم با متفکرانی مانند *آدام اسمیت*، *کندرسه*، *بنتام*، *مارکس* و *جان استوارت میل* شناخته می‌شود. در این سنت بر راه‌های گوناگونی که مردم برای رسیدن به عدالت طی می‌نمایند، تمرکز می‌شود. این راه‌ها لزوماً فقط از نهادها متأثر نیست، بلکه ممکن است از رفتارهای عملی، تعاملات اجتماعی و عوامل تعیین‌کننده دیگر نیز متأثر باشد. *آمارتیا سین* پس از بیان دوگانگی و تباین اساسی دو جریان فوق، دیدگاه خود را چنین بیان می‌دارد که این کتاب برخلاف بیشتر نظریه‌های امروزی عدالت که چشم به «جامعه عادل» دوخته‌اند، کندوکاوی است در مقایسه‌هایی واقع‌گرایانه با نگاهی به پیشرفت یا پسرفت عدالت (یاسین، ۱۳۹۰، ص ۳۵).

اما نقطه ثقل نظریه *آمارتیاسن* کجاست؟ *آمارتیاسن* پرسش‌هایی از «چگونگی پیشبرد عدالت» تا «چگونگی نهادهایی کاملاً عادل» را مطرح می‌کند که یک نظریه عدالت اجتماعی باید بدان‌ها پاسخ دهد (همان، ص ۳۶). اما اهمیت اندیشه «عدالت» *آمارتیاسن* در این است که مفهوم «قابلیت‌باوری» را به جای مفهوم «درآمدمحوری» مطرح کرده و آن را دال محوری اندیشه «عدالت» خود معرفی نموده است. مفاهیمی همچون «آزادی»، «برابری»، «مردم‌سالاری»، «خردورزی جمعی»، «عقلانیت»، «نوع انتخاب»، «توسعه اقتصادی»، «واقع‌گرایی»، «امنیت» و «حقوق بشر» ارکان و عناصر اصلی نظریه «عدالت» *آمارتیاسن* را تشکیل می‌دهد؛ اما مفهوم «قابلیت‌محوری» به نخ تسبیحی می‌ماند که تمام این مفاهیم به ظاهر پرکننده را به صورت منطقی و منسجم به‌همدیگر پیوند می‌دهد.

«قابلیت» از دید *آمارتیاسن* یعنی: وجود شرایطی که گزینه‌های متفاوتی را برای انتخاب کردن پیش روی انسان می‌گذارد. انتخاب زمانی معنی دارد که انسان میان چند گزینه یکی را آزادانه انتخاب کند. مطابق این دیدگاه، هر اندازه قابلیت افراد افزایش یابد به همان میزان قدرت انتخاب آنان نیز ارتقا می‌یابد و به اندازه محدود بودن قدرت انتخاب آنان، آسیب‌پذیری‌شان نیز افزایش می‌یابد. چنین انسانی از حل مشکل خود عاجز است، هرچند درآمد بالایی هم داشته باشد. از این منظر، فقیر شخصی فاقد درآمد نیست، بلکه کسی است که نمی‌تواند از فقر بیرون بیاید. فقیر به علت قابلیت نداشتن، فرصت انتخاب ندارد. درواقع درآمد به‌مثابه ابزار شرط لازم، و قابلیت‌محوری شرط کافی برای تحقق عدالت است (باوری، ۱۳۹۵).

اما نکته قابل توجه این است که در این مقاله جایگاه مردم در نظریه «عدالت اجتماعی» حضرت امام راحل بررسی می‌شود؛ اما این به آن معنا نیست که نظریه ایشان همان نظریه *آمارتیاسن* است. اگرچه *آمارتیاسن* کوشیده است نظریه *راولز* را نقد کند و در تبیین نظریه «عدالت» خود از سنت شرقی نیز استفاده نماید؛ اما واقعیت این است که در نهایت، نظریه خود او نیز از مبانی فکری تفکر امروزی تغذیه می‌کند و از همان عینک به عدالت می‌نگرد؛ با این تفاوت که به جای نهادها فرد را مطمح نظر قرار می‌دهد. از این رو شاید این نظریات از جهاتی با نظریات متفکران و اندیشمندان همچون حضرت امام همانندی داشته باشد، اما نمی‌توان بر اساس این چارچوب‌های فکری، نظریات این بزرگان را به صورت کامل تبیین کرد و با استناد به شباهت‌های جزئی یا صوری، هر دو را یکسان دانست؛ زیرا عدالت در منظومه فکری متفکرانی همچون حضرت امام بر برخی مبانی استوار است که با مبانی نظریات امروزی کاملاً تفاوت دارد.

## ۲. تعریف، اهمیت و هدف عدالت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

در این قسمت به برخی از مباحث نظری و مفهومی عدالت که با مدعای این تحقیق مرتبط است، اشاره و نشان داده می‌شود که عدالت امری انسانی است؛ بدین معنا که انسان‌ها موظفند اولاً، خود را به عدالت به‌مثابه یک امر حقیقی

متصف نمایند. ثانیاً، عدالت را از طریق ایجاد هنجارها و قواعد در روابط و نهادهای اجتماعی نهادینه سازند و به تعبیر دیگر، پرورش انسان عادلانه مقدم بر نهادسازی است.

## ۱-۲. تعریف «عدالت»

امام خمینی<sup>ع</sup> از منظرهای گوناگون «عدالت» را تعریف کرده است. از حیث لغوی و اصطلاحی، «عدالت» را با کلیدواژه‌هایی همچون ضد ظلم و جور، حد وسط، توازن، تساوی، انصاف و حق تعریف کرده است (جمشیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۸). اما عام‌ترین تعریف همان «توازن» و «حق» است که اولی از وجود ربطی و دومی از وجود مستقل حکایت دارد. بنابراین، «عدالت» مفهومی کاملاً بر ساخته و فاقد مابازای خارجی و عینی نیست تا بتوان برای آن فراتر از توافق‌های بین‌ذهنی، معیار صدق و کذب در نظر گرفت.

از این‌رو، سؤال این است که توازن و حق یا اعطای حق به صاحب حق و یا گذاشتن هر چیز در موضع آن در خارج چگونه محقق می‌شود؟ آیا مقصود رساندن حق به فرد است یا رسیدن فرد به حق؟ به بیان دیگر، آیا این ایصال به حق نهادمحور است یا قابلیت‌محور؟ مطابق دیدگاه نهادمحور، ملاک رساندن حق به افراد است؛ یعنی نهادهای اجتماعی باید به گونه‌ای مهندسی شوند که حق افراد را به آنها برسانند و توازن را رعایت کنند.

اما مطابق دیدگاه قابلیت‌محور، عدالت زمانی محقق می‌شود که این تأمین نیاز از طریق رشد قابلیت‌های وجودی انسان باشد. پاسخ‌های مذکور دو نوع الگوی توسعه را در غرب مطرح کرد: توسعه «نهادگرا» و «انسان‌گرا» (ر.ک. نورث، ۱۳۹۷). سؤال دیگر این است که رعایت توازن و حق در کدام عرصه مطرح است؟

بر اساس تعریف حضرت امام از «عدالت اخلاقی و عرفانی» می‌توان به سؤال‌های فوق پاسخ داد. در نظر ایشان، جوهر اصلی عدالت اخلاقی و عرفانی همان پرورش قابلیت‌های درونی انسان، و پرورش توانمندی‌های انسان بنیادی‌ترین حق انسان است. اما این پرورش باید به صورت متوازن باشد. مطابق بیان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۱)، مطلب مذکور را می‌توان از تعاریف حضرت امام از عدالت به‌مثابه امر اخلاقی استنباط کرد:

بدان که «عدالت» عبارت است از: حد وسط بین افراط و تفریط، و آن از امهات فضایل اخلاقیه است، بلکه عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه است؛ زیرا که عدل مطلق مستقیم به همه معنی است (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

مطابق این تعریف، عدالت به‌مثابه یک ارزش مطلق و بالاترین فضیلت اخلاقی، به معنای رعایت تعادل در پرورش صفات ظاهری و باطنی انسان است؛ یعنی انسان عادل در گام نخست، انسانی است که ظرفیت‌های وجود او به‌صورت شایسته رشد کرده باشد. این تعریف اخلاقی از «عدالت» دلالت‌های مهمی در عرصه اجتماعی و روابط اجتماعی دارد. یک نمونه آن صورت‌بندی دقیق موضوع توسعه و پیشرفت انسانی است. مطابق این تعریف، انسان توسعه‌یافته انسانی

است که همزمان ظرفیت‌های حیوانی و الهی او به‌دور از افراط و تفریط تربیت شود و به نیازهای هرکدام به‌صورت شایسته پاسخ داده شود.

دلالت التزامی دیگر این تعریف در ارتباط با الگوی مطلوب توسعه و پیشرفت، الگویی است که همزمان به‌صورت متعادل، دارای بعد مادی و معنوی باشد. الگوی توسعه‌ماده‌گرای صرف یا معنویت‌گرای تنها عادلانه نیست؛ زیرا با پرورش متعادل ظرفیت‌های وجودی انسان سازگاری ندارد.

ملاک رعایت این توازن و تناسب و میزان ارج‌گذاری به هریک از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فطری و جسمانی انسان بر اساس هدف مقدمی، متوسط و نهایی خلقت تعیین می‌شود؛ زیرا هدف غایی رسیدن به خداوند و مقام قرب الهی است. پس زندگی فردی و اجتماعی انسان باید به نحوی مدیریت شود که انسان را به همان هدف برساند. حضرت امام در ادامه تعریف «عدالت اخلاقی» به این مهم اشاره نموده است:

عدل مطلق مستقیم به همه معنی است؛ چه در مظهریت اسما و صفات و تحقق به آن، که استقامت مطلقه است و مختص به انسان کامل است و رب آن حضرت اسم الله الاعظم است که بر صراط مستقیم حضرات اسمائی... رب انسان کامل... است بر صراط مستقیم و حد اعتدال تام است، و مربوط او نیز بر صراط مستقیم و اعتدال تام است. منتهی رب - تعالی شأنه - بر سیل استقلال، و مربوط بر سیل استغلال (همان، ص ۱۴۸-۱۴۷).

مقصود حضرت امام از تعریف مزبور صرفاً یک بیان نظری و انتزاعی صرف نیست، بلکه هدف تحقق صفات الهی در فرد و جامعه است. هر اندازه صفات الهی در فرد و جامعه رشد کند به همان میزان عدالت در سطح فرد و جامعه محقق شده است؛ زیرا خداوند مصداق اکمل عدالت است و «عدالت» مطابق فرمایش امام راحل، یعنی: بسط توحید و صفات الهی. در جایی دیگر حضرت امام تعریف عرفانی از «عدالت» ارائه کرده است. در تعریف عرفانی، تحقق عدالت با معنویت پیوند خورده است. از این منظر، زمانی عدالت در جامعه محقق می‌شود که نخست معنویت در وجود انسان و سپس در نهادهای اجتماعی تحقق یابد.

چه در جلوه معارف الهیه و جلوات توحید در قلب اهل معرفت، که عدالت در آن عبارت است از: عدم احتجاب از حق به خلق، و از خلق به حق، و به عبارت آخری، رؤیت وحدت در کثرت، و کثرت در وحدت (همان، ص ۱۴۸).

از همین روست که ایشان عدالت در عقاید و حقایق شناختی را مطرح می‌نماید؛ بحثی که در دیدگاه‌های امروزی درباره عدالت اصلاً مطرح نیست:

و چه در عقاید و حقایق ایمانیه باشد، که عدالت در آن عبارت است از: ادراک حقایق وجودیه علی ما هی علیه از غایة القصوای کمال اسمائی تا منتهی النهایه رجوع مظاهر به ظواهر که حقیقت معاد است... و چه در اخلاق نفسانیه که اعتدال قوای ثلاثه است؛ یعنی قوه شهویه و غضبیه و شیطانیه. و چون منظور از حدیث شریف - به حسب ظاهر - این قسم اخیر است، و از این جهت، آن را از جنود عقل به شمار آورده (همان، ص ۱۴۸-۱۴۹).

مقصود از «عدالت در عقاید» و حقایق شناختی به معنای عقاید و شناخت حق است؛ یعنی اگر کسی میان قوای سه‌گانه خود توازن ایجاد کرده باشد، اما مبنای این توازن عقاید حق و حقایق شناختی درست نباشد، عدالت در وجود انسان محقق نمی‌شود. شاید بتوان گفت: اصلاً امکان رعایت توازن میان قوای اخلاقی در غیاب نظام اعتقادی و شناختی حق حاصل‌شدنی نیست.

به شمار آمدن عدالت از جنود عقل، بیانگر این نکته است که اولاً، اقتضای فطرت امری فطری و نهفته در شاکله وجود انسان است. ثانیاً، بستر تحقق آن نیز ظرف وجودی انسان است، آن هم مهم‌ترین رکن وجودی انسان که عقل باشد؛ یعنی عدالت در این است که عقل در انسان به درستی شکوفا شود و از سلطه غضب و شهوت نجات یابد. مقصود از «عقل» نیز عقل ابزاری نیست، بلکه در فرمایش امام راحل، عقل معنای عمیق‌تری دارد (ر.ک. همان، ص ۲۲-۲۱).

علاوه بر مطالب مزبور، امام خمینی<sup>ع</sup> به صراحت اعلام می‌نماید: اسلام نخست به دنبال پرورش عدالت در انسان و سپس در جامعه است. اساساً صورت واقعی انسان در گرو برخورداری او از عدالت است.

اسلام انسانی می‌سازد عدالت‌خواه و عدالت‌پرور، صاحب اخلاق کریمه، صاحب معارف الهیه که وقتی که از اینجا رخت برپست و وارد شد در یک عالم دیگری، به صورت انسان باشد، آدم باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۲۶).

پس از متصف شدن انسان به صفت «عدالت» و وظیفه وی این است که عدالت را در جامعه محقق کند (همان، ج ۱۷، ص ۴۳۴). از همین رو، در فرمایش ایشان، «عدالت» با «آزادی حقیقی» انسان گره خورده است (همان، ج ۶، ص ۷۷). علت آن هم این است که وقتی انسان به آزادی حقیقی می‌رسد که گزینه‌های مختلف و متنوع انتخاب فراروی او فراهم باشد. قدرت انتخاب انسان وقتی افزایش می‌یابد که ظرفیت‌های وجودی او رشد کرده باشد، به‌ویژه ظرفیت‌های متعالی که انسان را به آزادی معنوی و حقیقی می‌رساند و انسان را از پذیرش هر نوع سلطه و ستم درونی و اجتماعی بازمی‌دارد.

امام خمینی<sup>ع</sup> «عدالت اجتماعی» را با دو ویژگی تعریف کرده است: تلاش برای برابری همگانی در دستیابی به فرصت‌های اجتماعی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ب، ج ۲۰، ص ۱۱۶) و پاسخگویی به نیازهای اساسی مردم (همان، ج ۵، ص ۱۵۷). در فرمایش ایشان نیازهای اساسی محدود به نیازهای حیاتی همچون امنیت، آرزاق و خدمات عمومی (همان، ج ۵، ص ۱۱۴) نیست، بلکه موارد دیگری همچون مسکن (همان، ج ۶، ص ۵۱۸-۵۱۹)، بهداشت (همان، ج ۱، ص ۲۷۱)، آموزش (همان، ج ۲، ص ۴۸۳ و ۴۰۰) و اشتغال (همان، ج ۷، ص ۲۲۳) نیز جزو نیازهای اساسی افراد و اقشار گوناگون ذکر شده که رعایت توازن و دادن حق به صاحبان آنها جزو عدالت اجتماعی شمرده شده است (همان، ج ۶، ص ۴۵۳-۴۵۴).



در بسیاری از موارد، عدالت اجتماعی در منظومه فکری امام خمینی علیه السلام با مفاهیم دیگری همچون محرومیت، فقر و مستضعفان همراه است و بر تأمین نیازهای اساسی مردم و محرومیت‌زدایی از چهره جامعه به‌مثابه مقدمه رشد و تعالی معنوی انسان تأکید شده است (همان، ج ۱، ص ۲۷۰؛ همان، ج ۴، ص ۱۴۵؛ همان، ج ۷، ص ۵۳۱). پرهیز از رفتار خودسرانه و قانون‌پذیری همگانی (همان، ج ۱۱، ص ۶۸)، توزیع عادلانه درآمدهای عمومی و تلاش برای رفاه و آسایش همگان به‌ویژه طبقات فرودست و نیازمند جامعه (همان، ج ۴، ص ۵۰۵؛ همان، ج ۷، ص ۳۳۵؛ همان، ج ۱۱، ص ۱۳۰)، نقدپذیر بودن کارگزاران و ارائه پاسخ قانع‌کننده به انتقادات مردم و خدمتگزاری آنان به مردم (همان، ج ۵، ص ۴۰۹؛ همان، ج ۷، ص ۵۲۸)، برخی مصادیقی است که امام خمینی علیه السلام برای «عدالت اجتماعی» بیان کرده است.

در تعریف ایشان «عدالت اجتماعی» با مردم و انسان گره خورده است؛ زیرا اولاً، انسان به‌مثابه موضوع عدالت اجتماعی لحاظ گردیده است. ثانیاً، در گام نخست به پرورش ظرفیت‌ها و در گام دوم به ایجاد نهاد از سوی مردم برای تأمین نیازهای اساسی توجه شده است.

## ۲-۲. ارزش و اهمیت عدالت در زندگی بشر

عدالت در منظومه فکری امام راحل، امری فردی، مقطعی و موردی نیست، بلکه ابرمسئله تاریخ و یک مسئله جهانی و عمومی برای همه انسان‌هاست. عدالت مسئله انسان است. تحقق عدالت از یک‌سو، تجلی توحید در جامعه و عدالت‌طلبی یکی از اهداف اصلی پیامبران الهی و به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۱۳؛ همو، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۷۱).

از سوی دیگر، محرک تاریخ و منشأ اصلی تضادهای اجتماعی در گذر تاریخ، تضاد میان نیروهای عدالت‌خواه و ضد عدالت بر سر پرورش انسان عدالت‌خواه و برپایی نظم و جامعه عادلانه در حیات جمعی بشر بوده است (همان، ج ۲۰، ص ۳۶۱-۳۶۲). امام خمینی علیه السلام از همین منظر، جریان‌های تاریخی را به «عدالت‌خواهان» و «ستم‌پیشگان» صورت‌بندی می‌کند. برجسته‌ترین پیشگامان عدالت‌خواه انبیای الهی بوده‌اند. از نظر ایشان در زمان حاضر، انقلاب و نظام اسلامی برآمده از آرمان عدالت‌خواهی است. علت اصلی دشمنی نظام سلطه با نظام اسلامی هم اقامه عدالت به معنای اسلامی است (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱).

از همین رو، هر اندازه نظام اسلامی در نهادهایسازی عدالت، دفاع از فقرا و محرومان در جامعه موفق شود، به همان میزان قدرت‌های سلطه‌طلب ناامید، و امید کشورهای تحت سلطه و ستم به نظام اسلامی بیشتر می‌شود (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱-۳۴۲)؛ یعنی نظام اسلامی به دنبال‌الگوی از توسعه و پیشرفت است که دال محوری و اساسی آن را «عدالت» به معنای اسلامی آن تشکیل می‌دهد؛ عدالتی که با آزادی، عقلانیت، معنویت و تکامل حقیقی انسان همراه است. ایجاد تقابل و غیریت با نظام سلطه مبتنی بر عدالت به این معناست. از نظر امام خمینی علیه السلام گفتن عدالت در

دنیای امروزی برای تحقق واقعی عدالت کافی نیست و ایشان تصور عمیق تری از عدالت داشته که تنها با نهادینه‌سازی تفکر اسلام ناب در جامعه محقق می‌شود، نه مکاتب شرقی و غربی.

### ۳-۲. هدف عدالت در زندگی انسان

عدالت به‌مثابه تجلی عینی توحید و ارزش مطلق، کاربردهای فراوانی در این مباحث دارد؛ نخستین آن عدالت به‌مثابه آرمان و هدف است. در این قسمت نیز دو بحث مهم مطرح است:

بحث اول این است که هدف تحقق عدالت انسان و مردم است، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی.

همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع، و یک عدالت

باطنی درست کنند برای انسان در انفراد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۸۶).

بحث دوم هدف غایی تحقق عدالت است. در فرمایش حضرت امام عدالت مقدمه رسیدن انسان به تعالی و قرب الهی است، نه رسیدن به رفاه و یا رستگاری دنیوی تنها. تمام تلاش‌های انبیا و پیامبران الهی در جهت تشکیل حکومت، نظام و جامعه عادلانه برای این بوده است که ظرفیت‌های انسان به گونه‌ای مدیریت شود که ذات حق را بشناسد و به غایت خلقت برسد (همان، ج ۲۰، ص ۴۰۹؛ همو، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۷۱). در همین فرمایش ایشان بازپروری ظرفیت‌های وجودی انسان مهم است و نهاد و نظام‌سازی مقدمه پرورش ظرفیت‌های انسان است.

### ۳. سطوح و عرصه‌های عدالت

یکی از مباحث مهم پرداختن به سطوح و عرصه‌های عدالت است. مطابق فرمایش حضرت امام، عدالت - دست کم - در پنج سطح مطرح است. از بررسی سطوح عدالت نیز به دست می‌آید که عدالت اجتماعی با مردم گره خورده و مردم محور اصلی عدالت اجتماعی‌اند، چه در تحقق و چه در بهره‌مندی از آن.

#### ۳-۱. سطوح عدالت

##### ۳-۱-۱. عدالت در سطح فردی

سطح فردی اساسی‌ترین سطح عدالت اجتماعی است؛ زیرا همین خصوصیات انسانی است که در تعریف ماهیت و مصادیق عدالت اجتماعی و نهادسازی اثرگذار است. عدالت در سطح فردی دو بعد دارد:

بعد نخست آن معطوف به تربیت و فرهنگ‌پذیری عادلانه است؛ یعنی باید شخصیت و خصوصیات فردی انسان به گونه‌ای پرورش یابد که شاکله وجودی انسان به‌صورت عادلانه پرورش یابد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵).

بعد دیگر نمود بیرونی این نوع عدالت در جامعه است؛ یعنی پرورش انسان عدالت‌خواه و عدالت‌پرور؛ انسانی که هم به دنبال تحقق عدالت در روابط اجتماعی است و هم در پی پرورش انسان‌های عادل در جامعه. همین نکته است

که دیدگاه الهی و تفسیر جامع / امام خمینی را از «عدالت اجتماعی» با آن دسته از نظریاتی که احکام، تعالیم و مفاهیم اساسی اسلام همچون توحید و عدالت را دنیوی (سکولار) تفسیر نموده‌اند، متفاوت می‌سازد.

از نظر / امام خمینی عدالت اجتماعی واقعی در سایه توحید و پرورش صفات متعالی معنا پیدا می‌کند. در غیاب ابعاد معنوی و متعالی عدالت، دیگر جامعه انسانی بر جامعه حیوانی که همه چیز در آن به صورت مساوی توزیع شده باشد، برتری ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۲۶). از فرمایش / امام خمینی این نکته قابل استنباط است که عدالت اجتماعی منحصر به عدالت اقتصادی نیست، بلکه گستره وسیع‌تری دارد؛ مثل پرورش و تربیت انسان‌های عادل و رعایت عدالت در روابط بین خود انسان‌ها. تحقق عدالت اجتماعی در عرصه اقتصاد نیازمند پرورش انسان عادل است.

### ۲-۱-۳. عدالت در سطح روابط اجتماعی میان فردی و گروهی

سطح دیگر عدالت، «عدالت میان فردی» است؛ یعنی ایجاد ارتباط میان فردی و میان گروهی عادلانه در تعامل با همدیگر؛ همان‌گونه که در بحث «عدالت به مثابه هدف و آرمان» به این موضوع اشاره شد (همان، ج ۱، ص ۳۸۶؛ همان، ج ۱۵، ص ۲۱۳).

از نظر امام راحل عموم مردم به اقامه عدالت در جامعه مکلف شده‌اند. اساساً مردم را باید به نحوی تربیت کرد که به دنبال اقامه عدالت اجتماعی باشند و اساساً ایشان هدف اقامه عدالت را در جامعه، تحقق عدالت اجتماعی دانسته است. ایشان در تفسیر آیه «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) این مهم را بیان کرده است:

غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم‌ها از بین برود، ستمگری‌ها از بین برود، ضعفا به آنها رسیدگی بشود، قیام به قسط بشود (همان، ج ۱۵، ص ۲۱۳).

از نظر / امام خمینی هدف برپایی نظام اسلامی نیز تحقق عدالت اجتماعی در جامعه و مبارزه با مستکبران و بی‌عدالتی است. از این رو ایشان از نظام اسلامی به «نظام عدل اسلامی» تعبیر می‌نماید (همان، ج ۴، ص ۴۲۷).

### ۳-۱-۳. عدالت در سطح سازمان‌ها و خرده‌نظام‌ها

سطح دیگری که مردم باید در جهت اقامه عدالت در آن بکوشند، سطح سازمان‌ها و نهادهاست. اقامه عدالت در این سطح به این علت مهم است که در جامعه گسترده و پیچیده امروز، اینها حلقه واسط تعاملات اجتماعی هستند و تمام رفتارهای انسان در ذیل یکی از این نهادها انجام می‌شود. انسان هر کاری بخواهد انجام دهد، از طریق همین نهادها انجام می‌دهد. از همین رو، در فرمایش ایشان، التزام به رعایت عدالت اسلامی به نهاد خاصی همچون قوه قضاییه محدود و منحصر نیست، بلکه شامل تمام نهادها، اعم از نهادهای رسمی و اجتماعی همچون خانواده می‌شود (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

### ۴-۱-۳. عدالت در سطح نظام اجتماعی

بالاترین سطح عدالت که مردم به اقامه آن مکلف هستند، برپایی نظام عادلانه است. مراتب و سطوح قبلی مقدمه و اجزای تشکیل دهنده این سطح است. این سطح نتیجه جمع سطوح قبلی و به مثابه مهم‌ترین آرمان انبیای الهی و حکومت اسلامی است. از منظر امام خمینی<sup>ع</sup> مردم ایران با انقلاب اسلامی به این کار اقدام کردند. از همین رو، ایشان از مردم به خاطر ایجاد یک نظام عادل اسلامی تقدیر می‌نماید و می‌خواهد که مردم همیشه در این مسیر ثابت‌قدم بمانند (همان، ج ۶، ص ۴۵۳-۴۵۴).

طبق فرمایش ایشان رسیدن به عدالت اجتماعی و ایجاد نهادهای عادلانه در سطوح گوناگون مشروط به این است که قبلاً عدالت در وجود افراد نهادینه شده باشد و کسانی که فاقد صفت «عدالت» باشند، نمی‌توانند نهادهای عادلانه ایجاد کنند.

البته بسط عدالت همان بسط صفت حق تعالی است برای اشخاصی که چشم دارند؛ بسط عدالت هم می‌دهند، عدالت اجتماعی هم به دست آنهاست، حکومت هم تأسیس می‌کنند؛ حکومتی که حکومت عادلانه باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۷۱).

### ۵-۱-۳. عدالت در سطح فراملی و نظام جهانی عادلانه

بحث نظام جهانی یکی از مباحث عمده در دنیای امروز است. امام خمینی<sup>ع</sup> با استفاده از آموزه‌های اسلام و به‌ویژه «مهدویت» نظام جهانی عادلانه را مطرح کرده است. از نظر ایشان رسیدن به یک نظام جهانی عادلانه پرورش قابلیت‌های مهم انسانی است؛ زیرا ایجاد نظام‌های عادلانه در سطح جهانی محصول تلاش‌های مردم برای اقامه عدالت است.

برنامه اسلام در این است که دیکتاتوری‌ها بکلی در دنیا نابود بشوند و عدالت اجتماعی جاری بشود. و من امیدوارم که خداوند آن‌طور که ما می‌خواستیم، برای عدالت اجتماعی در تمام بشر، ما را موفق کند... من امیدوارم که این مسائل ایران که بر مبنای اسلام و عدالت بوده است، در سایر جاها هم پیدا بشود... مبنای جمهوری اسلامی بر عدالت اجتماعی است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۷۰-۷۱).

معنای فرمایش ایشان این است که مردم در جوامع گوناگون، از الگوی عدالت اجتماعی موجود در تعالیم اسلامی الگو بگیرند و نظام‌های استبدادی را برچینند و عدالت اجتماعی واقعی را در جامعه محقق کنند. علاوه بر آن، فرمایش ایشان بیانگر واقعیت دیگری نیز هست و آن نقد نظام‌های موجود است؛ یعنی این نظام‌ها، حتی اگر ادعای آزادی و عدالت هم داشته باشند، در عمل از اجرای عدالت اجتماعی واقعی در جامعه ناتوان هستند. پس باید بر اساس الگوی اسلامی اقدام شود.

### ۲-۳. عرصه‌های عدالت

اگرچه برای عدالت عرصه‌های گوناگونی همچون عدالت اقتصادی، اجتماعی - به معنای خاص - فرهنگی، سیاسی

و قضایی قابل تصور است، اما در فرمایش ایشان به تناسب شرایط زمانه، بیشترین تأکید بر عدالت اجتماعی - به معنای عام آن - بوده که دربرگیرنده عدالت اقتصادی و اجتماعی - به معنای خاص - هم هست.

### ۱-۲-۳. عرصه اقتصادی

برخلاف دیدگاه برخی از صاحب‌ظران، از نظر امام خمینی علیه السلام عدالت در عرصه اقتصادی به معنای گرفتن حق مشروع داراییان و جلوگیری از پیشرفت یا تلاش مالکان ثروت و دارایی و یا به معنای توزیع فقر نیست، بلکه به معنای ریشه‌کن ساختن فقر در کوتاه‌مدت از طریق توزیع متوازن ثروت ملی و ارتقای ظرفیت‌های مردم است.

اسلام تعدیل می‌خواهد؛ نه جلوی سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن‌طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد... و این یکی شب که برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد... این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است، نه هیچ انسانی با این موافق است (همان، ج ۸، ص ۴۷۰).

درجایی دیگر نیز می‌فرماید: حکومت اسلامی به‌منزله یک نظام عادل باید برای طبقات فرودست و فقیر بستری فراهم سازد که آنها نیز رشد کنند و از امکانات لازم بهره‌مند شوند (همان، ج ۴، ص ۲۰۱). اینجاست که توسعه و پیشرفت در خدمت عدالت قرار می‌گیرد.

علاوه بر آن، برای رسیدن به عدالت اقتصادی باید فاصله میان مناطق جغرافیایی و فضایی شهری کم شود. باید همان امکانات، منابع و فرصت‌هایی که برای مراکز و نقاط مرکزی فراهم می‌شود، به نقاط نیمه‌پیرامونی و پیرامونی در دورترین نقاط نیز رسانده شود. همچنین در داخل فضاهای شهری نیز باید فاصله‌ها در حد امکان کاسته شود و نابرابری‌ها از بین برود (همان، ج ۱۱، ص ۲۹۲).

البته علاوه بر آن، تحقق عدالت اقتصادی زمانی در یک جامعه محقق می‌شود که عموم شهروندان جامعه از رفاه برخوردار باشند (همان، ج ۶، ص ۵۲۵؛ همان، ج ۱۱، ص ۱۳۰). یکی از راهای رسیدن به رفاه عمومی نیز بالا بردن درآمد و ثروت ملی و مصرف درست و توزیع عادلانه آن است (همان، ج ۴، ص ۵۰۵)، البته آن هم در مسیری که قابلیت‌های مردم افزایش یابد تا همیشه نیازمند نباشند و خودشان به این قابلیت برسند که در هر شرایطی، به نیازهای خود پاسخ دهند.

### ۲-۲-۳. عرصه اجتماعی به معنای خاص

عرصه دیگر عدالت که در فرمایش امام خمینی علیه السلام مکرر به آن اشاره شده، عدالت اجتماعی - به معنای خاص آن - است، اگرچه طبق بیان امام خمینی علیه السلام تفکیک این عرصه از عدالت اقتصادی دشوار است. دستیابی شهروندان به حقوق شهروندی خود، یکی از شاخص‌های عدالت اجتماعی است که معظم له به آن اشاره کرده است. از نظر ایشان باید کاری کرد که تمام اقشار جامعه و به‌ویژه فقرا و مستضعفان به حقوق خود برسند. راه رسیدن آن هم عملی ساختن اسلام در جامعه است (همان، ج ۶، ص ۵۲۵).

از نظر امام خمینی<sup>ع</sup> موضوع «عدالت اجتماعی» عنوانی کلی (همچون قومیت، نژاد، رنگ، دسته‌بندی‌های مصنوعی و قراردادی) نیست (همان، ج ۶، ص ۴۶۱)، بلکه عدالت به صورت مستقیم با ویژگی‌های اکتسابی و صفات نیک پیوند دارد و خصوصیات انتسابی نمی‌تواند مبنای عدالت قرار بگیرد (همان، ج ۶، ص ۴۶۱؛ همان، ج ۹، ص ۲۰).

در جای دیگر نیز با بیان همین مطلب، تأکید می‌نماید: همه باید به صورت عادلانه در کنار همدیگر زندگی کنند (همان، ج ۳، ص ۲۲۲)؛ یعنی هیچ هویت جمعی بر هویت جمعی دیگر برتری ندارد. همچنین اقتضای عدالت اجتماعی این است که موقعیت‌های اجتماعی باید به‌مثابه فرصت برای ارائه خدمت به مردم تعریف شود، نه امکانی برای کسب ثروت و دارایی و سوء استفاده از آن؛ زیرا هدف خدمت به خلق‌الله و تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است (همان، ج ۴، ص ۲۶۶؛ همان، ج ۷، ص ۵۲۸-۵۲۹).

در تفکر امروزی غایت عدالت اقتصادی و اجتماعی به رفاه دنیوی انسان تقلیل یافته است و ابعاد متعالی آن نادیده گرفته می‌شود. اما در اندیشه امام خمینی<sup>ع</sup> حتی همین بعد «عدالت» نیز با هدف غایی آن مرتبط است و این ساحت نیز با ارزش‌های متعالی ارتباط دارد. از همین رو، برای حضرت امام هر نوع عدالتی با هر نوع ابزاری مطلوب نیست. عدالتی مطلوب است که از مسیر مشروع و قانونی کسب شده باشد. اصلاً عدالت اجتماعی مبتنی بر ابزارهای نامشروع عدالت نیست. تأکید ایشان بر توسعه و رشد قرین با معنویت، به همین سبب است (همان، ج ۱۸، ص ۴۶۴).

مطلب دیگر اینکه ممکن است گفته شود: از عبارات امام راحل در ارتباط با عدالت اقتصادی و اجتماعی این‌گونه فهمیده می‌شود که از نظر ایشان محوریت درآمد مهم است؛ اما باید توجه داشت که عمق فرمایش ایشان این است که در کنار عدالت توزیعی، باید تمرکز اصلی بر پرورش قابلیت‌های وجودی انسان باشد و باید گلوگاه‌های تولید نابرابری و بی‌عدالتی مسدود شود. آنچه در دنیای امروز نابرابری تولید می‌کند، نامتوازن بودن پرورش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های وجودی انسان است و قراردادن نقطه ثقل بر پرورش ظرفیت‌های گوناگون انسان و تربیت انسان عادل و عدالت‌خواه با توزیع عادلانه امکانات و خدمات عمومی قابل جمع است. این بحث نقطه ثقل نظر ایشان است.

#### ۴. راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی

بخشی از فرمایش بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی مربوط به راهکارهای تحقق عدالت در جامعه است. در بحث راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی نیز تمرکز حضرت امام معطوف به مردم است. بحث ایشان آن است که نهادها چگونه باید عمل کنند تا مردم در زندگی خود از عدالت بیشتر بهره‌مند شوند. این دقیقاً همان بحثی است که در عدالت مردم‌محور مطرح است، برخلاف نظریه‌پردازان نهادگرا که روی خود خصوصیات نهادها تمرکز دارند. برخی از مهم‌ترین این راهکارها عبارتند از:

## ۱-۴. تقویت بنیادهای نظام اسلامی

امام خمینی علیه السلام در زمانه خود از تشکیل حکومت اسلامی، برای اقامه عدالت، سخن گفته است. در حقیقت انقلاب اسلامی تجلی نهادهای خواسته‌های عدالت‌خواهانه مردم ایران است:

رسول خدایی که سال‌های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه عدالت ایجاد بشود (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۶).

بنابراین باید مسئولان نظام جمهوری اسلامی در هر شرایطی زمینه حضور و مشارکت مردم را در عرصه‌های گوناگون برای تحقق عدالت فراهم نمایند (همان، ج ۵، ص ۱۵۵-۱۵۶). در جایی دیگر نیز می‌فرماید: نظام و دولت اسلامی با تأسی از الگوی دولت‌داری امام علی علیه السلام باید در خدمت مردم باشد (همان، ج ۱۸، ص ۱۵۸-۱۵۹).

## ۲-۴. عادلانه ساختن قوانین

راهکار نهادهای دیگر که مردم از طریق آن می‌توانند نقش خود در تحقق عدالت اجتماعی ایفا کنند، وضع قوانین عادلانه است. این مهم امروزه بر عهده مجلس نهاده شده است. البته علاوه بر آن، التزام و تعهد عموم و از جمله خود مردم به قانون نیز مهم است (همان، ج ۹، ص ۴۲۵). در عین حال نهادینه‌سازی قانون عادلانه نیز برای آن است که ثمره آن تحقق عدالت در زندگی افراد باشد.

اسلام به قانون نظر آلی دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۶۲).

از همین رو، از اعضای مجلس شورای اسلامی می‌خواهد که در تصویب قوانین، حتماً عدالت اجتماعی را مبنا قرار دهند و قوانین موضوعه باید به نفع فقرا، محرومان و زاغه‌نشینان باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ همان، ج ۱۴، ص ۳۸۰؛ همان، ج ۱۲، ص ۳۶۲-۳۶۴).

## ۳-۴. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

اولویت دادن به تأمین حقوق اقشار و طبقات محروم و آسیب‌پذیر جامعه یکی از مهم‌ترین خواسته‌های امام خمینی علیه السلام برای رسیدن به عدالت اجتماعی است؛ جمعیتی که تعدادشان از همه بیشتر و بهره‌مندی آنها از همه کمتر است. ایشان به شدت مسئولان نظام اسلامی را از مبنا قراردادن منافع طبقه اشراف و ثروتمند منع کرده است. از نظر امام خمینی علیه السلام خدمت به اقشار محروم جامعه و تأمین حقوق آنها در سایه عدالت اجتماعی، بالاترین عبادت، و خلاف آن عمل کردن، خروج از مسیر انبیا و معصومان علیهم السلام است (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱-۳۴۲).

مطابق دیدگاه ایشان، جمعیت محروم جامعه انگل و سربار جامعه نیستند، بلکه ولی نعمت هستند و محرومیت آنها نیز به خاطر دور نگهداشتن ایشان از دسترسی به امکانات و فرصت‌هاست، نه ضعف خودشان. پس باید آنها به گونه‌ای تربیت شوند که حقوقشان به صورت شایسته تأمین شود (همان، ج ۱۰، ص ۲۷۲؛ همان، ج ۱۹، ص ۱۵۸).

مطابق فرمایش ایشان، در نظام اسلامی طبقات فرادست باید حقوق فرودستان را رعایت کنند. در نظام اسلامی ظلم وجود ندارد، باید حقوق فقرا و مستمندان داده شود، نباید طبقات غنی به طبقات فقیر زور بگویند و آنها را استثمار کنند. از این رو باید از مستضعفان حمایت شود (همان، ج ۶، ص ۴۶۰).

#### ۴-۴. ایجاد نهادهای قضایی عادلانه

مطابق فرمایش امام خمینی<sup>ع</sup> همان گونه که اصل نظام اسلامی از دل خواسته‌های عدالت‌خواهانه مردم بیرون آمده و دارای ماهیت مردم‌سالارانه است، نهادهای فرعی آن مانند دستگاه قضایی نیز دارای همین ماهیت است؛ یعنی نظام و ساختارهای قضایی عادل و جدی برای آن است که کارگزاران این عرصه در داخل آن بتوانند به درستی نقش خود را برای اقامه عدالت ایفا نمایند. از این رو، بنیان‌گذار کبیر انقلاب تأکید نموده است که این نهادها باید با کجروان و مجرمان که عدالت اجتماعی را در جامعه برهم می‌زنند با قاطعیت و جدیت برخورد کند (همان، ج ۱۰، ص ۲۷۲).

همچنین نباید پیوندهای اجتماعی مبتنی بر روابط دوستی و خویشاوندی، مانع اجرای رفتار عادلانه در نظام عدلی و قضایی گردد (همان، ج ۱۳، ص ۱۱۵-۱۱۶).

#### ۴-۵. مهار درونی و اندیشه‌ای

یکی از راهکارهای حضرت امام برای ملزم ساختن کارگزاران به رعایت عدالت اجتماعی، ایمان و اعتقاد به خدا به مثابه ضمانت اجرایی درونی و اندیشه‌ای است (همان، ج ۲۱، ص ۸۷). بی‌شک این نوع پایش و ضمانت بالاترین و مؤثرترین نوع ضمانت اجرایی است.

الزام اخلاقی و فشار وجدان جمعی راهکار دیگری است که حضرت امام آن را مطرح نموده است. از همین رو، ایشان زیستن به سبک مردم طبقات فرودست جامعه را برای حاکمان و کارگزاران پیشنهاد می‌کند. علت آن هم این است که وقتی کسی عمق مشکلات را به خوبی درک می‌کند که مشارکت واقعی و همدلانه با جامعه هدف داشته باشد (همان، ج ۱۷، ص ۳۷۷).

همراهی و همدلی کارگزاران با مردم عادی نقش اساسی در گسترش عدالت اجتماعی دارد. زیستن حاکمان و کارگزاران در وضعیتی متمایز با سبک زندگی مردم و ایجاد دیوار حایل میان خود و طبقات دیگر جامعه، آنان را نسبت به عدالت اجتماعی بی‌پروا می‌سازد، به‌ویژه آنکه برای کارگزاران حصارهای محافظت از اجرای قانون و فرار از عدالت اجتماعی هم وجود داشته باشد؛ زیرا این کار مانع درک شناختی و احساسی از مشکلات ناشی از بی‌عدالتی است. وقتی درک نباشد اقدام هم نیست.



یکی از عللی که نظام اسلامی در صدر اسلام در اجرای عدالت موفق بود، زیستن کارگزاران اسلامی به سبک دیگر اقشار جامعه بود، به گونه‌ای که هیچ تمایزی در شیوه زندگی آنها دیده نمی‌شد. (همان، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸).  
امام خمینی (ره) وجه تمایز نظام اسلامی را همین نکته معرفی کرده است:  
فرق مابین رژیم طاغوتی و رژیم اسلامی این است که در رژیم طاغوتی مردم جدا بودند از قوای انتظامیه...  
اما در رژیم اسلامی، دولت و ملت از هم جدا نیستند، باهم‌اند، دوست و برادرند (همان، ج ۹، ص ۲۲۱).

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطابق دیدگاه امام خمینی (ره) «عدالت اجتماعی» یکی از مباحث اساسی جامعه است. ایشان عدالت را از منظرهای علمی و در عرصه‌های گوناگون اجتماعی مطرح کرده است. از همین رو، عدالت در دیدگاه معظم له زوایایی دارد که متفکران امروزی به آن توجه ندارند؛ مثل در نظر گرفتن بعد عرفانی و توحیدی برای عدالت. همین نکته تعریف «عدالت» و از جمله تعریف «عدالت اجتماعی» را در دیدگاه ایشان با دیگران متفاوت می‌سازد.

از مجموع فرمایش‌های امام خمینی (ره) این نکته قابل استنباط است که در دیدگاه ایشان عدالت اساساً امری اجتماعی است. تحقق جامعه منهای عدالت و اقامه عدالت منهای جامعه ممکن و مطلوب نیست. ایشان در مباحث گوناگونی که درباره عدالت مطرح کرده، به این مهم پرداخته است. این مقاله نیز به همین علت به زوایای این بحث پرداخت.

عدالت به‌مثابه امر اجتماعی سطوحی دارد. یک سطح آن در نظر گرفتن عدالت به‌منزله محرک تاریخ و پیشران جوامع بشری است. همچنین اقامه عدالت در جامعه، ملاک و معیار صفت‌بندی‌های اجتماعی، منازعات و تضادهای اجتماعی در طول تاریخ میان جریان عدالت‌خواه و ستم‌پیشگان بوده است. عدالت نماد خیر، و ظلم نماد شر است.

در بعد ایستایی نیز از نظر امام خمینی (ره) جامعه سالم جامعه‌ای است که اساس آن بر عدالت استوار باشد. یکی از مهم‌ترین اهداف انبیا و نظام‌های مبتنی بر اراده خداوند، اقامه عدالت در جامعه بوده است. بقا و تداوم یک نظام نیز مرهون میزان پایبندی آن به اقامه عدالت در جامعه است. از این رو، اقامه عدالت در سطوح گوناگون جامعه مطرح است؛ از سطح فردی گرفته تا سطح فراملی.

در پاسخ به این سؤال که عظیم‌تگاه عدالت اجتماعی از نظر حضرت امام راحل کجاست؟ نقطه ثقل عدالت از نظر ایشان «مردم» است. در فرمایش ایشان بین مردم و عدالت اجتماعی پیوند وثیقی برقرار است. از این رو، برای رسیدن به عدالت واقعی باید مردم را به گونه‌ای تربیت کرد که عدالت را در خود و جامعه اقامه نمایند.

امام خمینی (ره) در بحث «عدالت اخلاقی و عرفانی» یا «عدالت تربیتی» این موضوع را به‌خوبی بیان کرده است. عدالت اخلاقی حضرت امام صرفاً یک بحث فردگرایانه که ناظر به اخلاق فردی باشد، نیست، بلکه اساس یک بحث

اجتماعی مهم در بحث اخلاقی گذاشته شده است. مطابق این فرمایش حضرت امام، انسان رسانه‌ای است که عدالت از مجرای آن محقق می‌شود و از این‌رو از تربیت انسان عادل به‌مثابه نقطه آغاز بحث شروع نموده است.

در تعریف امام خمینی<sup>ع</sup> از «عدالت اجتماعی» نیز به دو ویژگی اشاره شده است: دسترسی برابر به فرصت‌ها و توزیع برابر امکانات و فرصت‌های گوناگون. بر اساس تعریف «عدالت اجتماعی»، در کانون عدالت اجتماعی نیز مردم نسبت به نهادهای اجتماعی جایگاهی برجسته دارند.

از سخنان امام خمینی<sup>ع</sup> این نکته نیز به خوبی قابل استفاده است که باید ظرفیت‌های مردم به گونه‌ای پرورش یابد که خود بتوانند نیازمندی‌هایشان را به بهترین وجه تأمین نمایند. اما تا رسیدن به آن شرایط و حل مشکلات موجود، دولت باید با توزیع امکانات به‌صورت عادلانه مشکلات را حل کند. همچنین در توزیع امکانات فرصت‌ساز و پرورش ظرفیت‌های انسان باید عدالت رعایت شود.

اگرچه در بحث «عدالت توزیعی» حضرت امام بر توزیع درآمد تمرکز دارد، ولی این سخن با جوهر اصلی عدالت اجتماعی به معنای پرورش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مردم مغایرت ندارد. اگر مردم عادل و عدالت‌خواه پرورش نیابند، نهادها نیز در تحقق عدالت کارآمدی لازم را ندارند. از این‌رو تمرکز بر ساختن نهادها، کافی نیست.

حضرت امام به تناسب زمان خود، بیش از همه عدالت در عرصه اقتصادی و اجتماعی را برجسته و بدان توجه نموده است. از این‌رو لازم است محققان زوایای دیگر عدالت را نیز مطابق اصول و مبانی فکری و فرمایش‌های ایشان استخراج نمایند. در اندیشه امام راحل، مهم‌ترین اقامه‌کننده عدالت در جامعه، افراد هستند. هدف انبیا هم از اقامه عدالت این است که مردم در جامعه درست تربیت شوند تا خود آنها به اقامه عدالت در جامعه اقدام کنند. در بحث نهادها، حضرت امام نظام اسلامی را ملزم به رعایت عدالت می‌نماید، اما برخلاف نظریه نهادمحور، در اندیشه ایشان نهادها خصلت‌آفرین دارند و بدین‌روی افراد باید به درستی عدالت را در جامعه اقامه نمایند و نتیجه عدالت نهادی نیز باید این باشد که افراد به عدالت‌بستری دست یابند.

از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مردم اقامه‌کننده عدالت اجتماعی هستند. پس در تربیت انسان عادل و عدالت‌خواه باید کوشید. همچنین نتیجه و هدف تحقق عدالت اجتماعی نیز خیر و نفع رساندن به مردم در جامعه است که هدف غایی آن رسیدن به مقام عبودیت و تقرب الهی است. پس اجرای آن نیز باید به گونه‌ای باشد که انسان‌ها را به آن هدف برساند. حتی در بحث نهادها نیز تمرکز اصلی حضرت امام بر مجریان و کارگزاران است و نهادها خود موضوعیت ندارند؛ یعنی آنجا نیز فرد مهم است.

در فرمایش‌های امام خمینی<sup>ع</sup> درباره بر ساختن نهادهای عالانه، آن‌گونه که جان راولز مطرح کرده است، چیزی دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت: دیدگاه امام راحل با نظریه راولز متفاوت است. البته این سخن به

آن معنا نیست که بر ساخت نهادهای عادلانه در دیدگاه/امام خمینی علیه السلام اهمیت ندارد، بلکه مقصود این است که از نظر ایشان راه رسیدن به عدالت نهادی از مسیر پرورش انسان عادل می‌گذرد. با نظریه «قابلیت» یا «جامعه‌محور» در این قسمت که بر مردم تمرکز دارد، همراه است؛ ولی تفاوت اصلی آن است که از نظر معظم<sup>له</sup> اولاً، قابلیت‌های انسان فراتر از قابلیت‌های جسمانی است و پرورش این قابلیت‌ها در توانمندساختن انسان و پرورش انسان و جامعه عادل نقش بسیار دارد.

ثانیاً، نظریه «قابلیت‌محور» نیز در نهایت نظریه‌ای فردگرایانه (لیبرالی) است که عدالت را در جهت عدالت اقتصادی جهت‌دهی می‌کند. اما در نظریه/امام خمینی علیه السلام عدالت یا رعایت توازن و اعطای حق صرفاً در عرصه اقتصادی مطرح نیست. انسان در جامعه دارای حقوقی متکثر و متنوع است که هر کدام باید به صورت متوازن و متناسب با هدف مقدماتی، متوسط و غایی خلقت تأمین شود تا عدالت اجتماعی محقق شود. بنابراین، نظریه «عدالت اجتماعی»/امام خمینی علیه السلام نظریه‌ای عدالت‌محور است. همچنین در اندیشه ایشان اساساً عدالت امری اجتماعی است.



## منابع

- ایران نژاد، ابراهیم و دیگران، ۱۳۹۱ «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۱، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- باور، محمد اسماعیل اسماعیل، ۱۳۹۵، «توصیف و تبیین عدالت مبتنی بر نظریه قابلیت انسانی از دیدگاه آمارتیا سن»، در: *نخستین کنگره چالش‌های الکترونیکی*، تهران.
- جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۷۹، *بررسی و تبیین نظریه عدالت (قسط) با تکیه بر دیدگاه‌های سه اندیشمند مسلمان ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر*، رساله دکتری، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، «مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *حضور*، ش ۳۶، ص ۱۰۸ بازیابی شده در: <https://noo.rs/OfdiR>.
- جمشیدی، محمدحسین و ابراهیم ایران نژاد، ۱۳۹۹، «مقدمه‌ای بر تبیین عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، ش ۴۹، ص ۱۵-۳۹.
- جوزانی، نیکو رضایی، ۱۳۸۸، *بررسی مقایسه‌ای مفهوم عدالت و تأثیر آن بر ایده حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی و افلاطون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- حسین‌زاده، سیدمحمد، ۱۳۷۹، *توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی در اندیشه‌های امام خمینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، *بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی*، پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای.
- عقیدتی، حسن، ۱۳۸۲، *عدالت اجتماعی از اندیشه امام خمینی*، قم، مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- غفاری، فیهیمه، ۱۳۹۰، *گفت‌وگو عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فیروزجایی، علی و فرحناز نیمی، ۱۳۹۶، «تحلیل گفت‌وگو عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی براساس رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون» *پژوهشنامه متین*، ش ۷۴، ص ۱۲۹-۱۵۰.
- قیصری، نورالله، ۱۳۸۴، «تأملی بر بنیانهای نظری عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، ش ۲۷، ص ۱۰۱-۱۱۵.
- معلمی، سمانه، ۱۳۸۷، *عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم دانشگاه باقرالعلوم.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۳، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹ الف، *تفسیر سوره حمد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹ ب، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرحسینی، مهسا، *عدالت اجتماعی، شاخص‌ها و لوازم تحقق آن از دیدگاه امام خمینی*، پایگاه امام خمینی.
- <http://www.imam-khomeini.ir>
- نورث، داکلاس سی و وینگاست، بری آر، ۱۳۹۷، *تشکل‌ها و ایجاد تعهد: تحول حاکم بر انتخاب عمومی در انگلستان قرن هفدهم*، ترجمه اصلان قودجانی، قم، دیجیتال.
- یاسین، آمارتیا کومار، ۱۳۹۰، *اندیشه عدالت*، ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون‌پور، تهران، کندوکاو.